لحاظ تتابع و طولیت در کلمه‌ی «آلاء»، دلیلی بر عدم رواج استعمال مفرد این کلمه

در ذهن من سؤال دیگری هم بود؛ شما در جایی ایاتان می‌آید؟ در کلمه‌ی «نعمت»، هر دوی آن‌ها را داریم؛ «نعماء اللّه»، «نعمة اللّه». «وإن تَعُدُّواْ نِعمَةَ اللّهِ»[1]، نفرمود «نعماء اللّه». «نعماء» جمع آن است. «نعمة اللّه»، «نعماء اللّه». در آیات شریفه «نعماء» داریم؟ «وَلَئِن أَذَقنَٰهُ نَعمَاءَ بَعدَ ضَرَّاءَ»[2].

سؤال من این بود: چطور است که نعمت مفرد می‌آید و جمع آن هم می‌آید؟ «نعماء اللّه». اما آیا مفرد «آلاء» آمده است یا خیر؟ «اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّهِ»[3] ... .

شاگرد: «نعماء» جمع «نعمت» است؟

استاد: الآن لغتش را نگاه نکرده‌ام.

شاگرد: این «نعماء» که بعد از «ضرّاء» می‌گوید، احتمالاً مفرد باشد و جمع نباشد.

شاگرد ۲: در مجمع آمده است: «و النعماء إنعام يظهر أثره على صاحبه»[4].

استاد: درست است. به‌صورت جمع اصلاً نیامده است. در اینکه مفرد آمده است، حرفی نیست. «فَعلاء» مفرد داریم. «نعماء» نعمتی است که اثرش بر منعم علیه ظاهر است.

شاگرد: منظور این‌که جمع نیست.

استاد: یعنی هیچ کجا جمع نیامده است؟

شاگرد: در قرآن، نیامده است.

استاد: منظور من قرآن نیست. در روایات و ... . در قرآن که همین یکی است.

شاگرد: «نِعم» هست.

استاد: «نِعم» بله، «نِعماء» به‌معنای جمع نیامده است؟ در قرآن پذیرفتم که نباشد. «نِعماء» هم شاید در همین یک آیه باشد. اما «نِعماء» جمع در زبان عربی داریم یا ندار‌یم؟

شاگرد: «جَمْعُ(النِّعْمَةِ) (نِعَمٌ مِثْلُ سِدْرَةٍ وسِدَرٍ) (أَنْعُمٌ أَيْضاً مِثْلُ أَفْلُسٍ وجَمْعُ(النِّعْماءِ)»[5].

شاگرد ۲: در دعا دارد: «لك الحمد على ما أنعمت به علينا بعد النعم نعما و بعد الإحسان إحسانا»[6].

استاد: در اینجا باز مفرد است. ولو می‌توان جمع هم معنا کرد ولی با مفرد هم سازش دارد. «لا تَخْصَى نَعْمَاؤُهُ» صریح در جمع است. آن هم با مفرد سازگار است. من اینطور در ذهنم است. نمی‌دانم از کجا آمده است. یعنی نه اینکه مفرد نباشد، ولی اینکه «نِعماء» جمع باشد، در ذهن من هست. «فِعلاء» جمع جای دیگری یادتان می‌آید؟ «أسماء». اگر از مادهٔ «وسم» باشد، نه از «سمو».

شاگرد: در دعای روز شنبه دارد: «و إن توزعني من شكر نعماك».

استاد: آن هم می‌تواند «نِعمتک» باشد. خود شما وقتی همین دعا را می‌خوانید ای «لا تحصی نعماءک» را می‌خوانید، «نِعمَتک» به ذهنتان می‌آید؟ ای جمع می‌آید؟ ارتکازی که تا حال داشتید، چیست؟

شاگرد: جمع است.

استاد: شاید از همینجا هم در ذهن من مانده است که کلمهٔ «نِعماء» جمع است و به‌معنای نِعمت‌ها است. مثل «آلاء»، «نِعماء اللّه» است، یعنی «نِعَم اللّه». نه یعنی «نِعمة اللّه».

شاگرد: «شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نَعْمَائِكَ».

استاد: بله.

شاگرد ۲: «أَسْأَلُكَ بِآلَائِكَ وَ نَعْمَائِكَ»[7].

استاد: بله؛ همهٔ این‌ها ظهور در جمع دارد. این خیلی در ذهن من واضح و جا افتاده بود. کلمهٔ «نِعماء» جمع داریم. در اینکه مفرد هم داشته باشد، حرفی ندارم. از اول هم منکر آن نبودم.

شاگرد: «وَلَكَ الشُّكْرُ بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نَعْمَائِكَ»[8].

استاد: «جمیع نِعَمِک». نمی‌گوییم «جمیع نِعمَتک». این خیلی خوب بود. جزاکم اللّه خیرا. کلمهٔ «جمیع» دلالت را تام کرد.

می‌خواستم عرض کنم در «نِعمت»، هر دوی آن‌ها کاربرد دارد. می‌گوییم: «اذْكُرُوا نِعماء اللّهِ»، از آن طرف هم «إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللّهِ»، «اذکروا نعمة اللّه». مفرد نعمت به خدای متعال اضافه می‌شود یا خیر؟ مفرد «آلاء» اضافه می‌شود یا خیر؟ یعنی بگوییم «اذکروا إلی اللّه». «إلی» به‌معنای نعمت است. خُب، نعمت که شد. هم جمعش را داریم و هم مفردش را. «إلی» چطور است که آن را نداریم؟

شاگرد: در آیهٔ «إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ»[9]، برخی «الی» را به‌معنای نعمت گرفته‌اند.

استاد: یعنی «ناظرة نعمة ربّها». «وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ، إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ»؛ یعنی نعمة ربّها ناظرة؛ به نعمت رب نگاه می‌کند. برای این‌جا شاهد خوبی است. علی أیّ حال چرا استعمال رایج ندارد؟ چرا مفرد و جمع نعمت به خدای متعال اضافه می‌شود، اما از این طرف «آلاء اللّه» است؟ «الی اللّه» نداریم. «الی اللّه» به‌معنای «نعمة اللّه». باید ببینیم. خلاصه شکی نیست که مرسوم نیست. چرا؟؛ سؤال من این بود. یعنی گویا در کلمه‌ی «آلاء»، عنایت به تتابعش هست. پشت سر هم بیاید، متواتر، متتابع. چون به این صورت است، در مفرد که تتابع نیست. نعمت یعنی مالیم. مالیم چه مفرد باشد و چه زیاد باشد، مالیم است. اما در آلاء چون عنایت به تواتر و تتابعش هست، فقط با جمع جور است و لذا آن چه که متعارف است و در ادعیه آمده، «آلاء اللّه» است. یعنی حتماً نعمت‌هایی که ترتیبش ملحوظ است. از این ناحیه تأییدی برای معانی می‌شود که مرحوم قاضی سعید گفتند. یعنی ایشان «آلاء» را وسائط طولیه فیض گرفته‌اند.

خُب، در دستگاه خلقت برای مخلوقاتی که هستند، به حکمت الهیه به جایی نمی‌رسیم که یک واسطه باشد. چون این یک واسطه هست پس «آلاء» می‌شود. «آلاء» نه یعنی واسطه‌ای برای فیض الهی، بلکه وسائط فیض است. همین که الآن مرسوم ما است. وقتی شما می‌خواهید بگویید واسطه‌ی فیض، نوعاً به زبان «وسائط فیض» می‌آورید؟ یا «واسطه‌ی فیض»؟ وسائط فیض. البته وقتی نگاه به مفرد دارید «واسطه‌ی فیض» می‌گویید، اما وقتی به طولیت و جهت علمی بحث دارید، دیگر «واسطه‌ی فیض» نمی‌گویید، می‌گویید: «وسائط فیض». چون برای قوس نزول، فواعل طولیه در نظر می‌گیرید.

شاگرد:...

استاد: ممکن است، ولی محل ابتلای استعمال نیست. بله، اگر او و آن‌هایی که بعد از او هستند، بخواهند در آن عالم، لسانی به کار ببرند، «واسطه» خوب است، «الی» هم می‌توانند، بگویند. اما این زبان برای ما است و متعارف عالم ما به این صورت تناسب دارد.

والحمدللّه ربّ‌العالمین و صلّی اللّه علی محمد و آله الطیبین الطاهرین.

---

[1]. سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۱۶.

[2]. سوره‌ی هود، آیه‌ی ۱۰.

[3]. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۹.

[4]. مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ط دار المعرفة)، ج ۵، ص ۲۱۹.

[5]. المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج ۱،ص ۶۱۴.

[6]. بحار الأنوار (طبعة مؤسسة الوفاء)، ج ۹۴، ص ۱۴۳.

[7]. مفاتیح الجنان، ص ۹۴.

[8]. همان، الدعاء العشرات، ص ۱۲۳.

[9]. سوره‌ی قیامت، آیه‌ی ۲۳.

بازبینی #1
ایجاد شده 27 ژوئیه 2024 14:17:51 توسط ... .
به روزرسانی شده 27 ژوئیه 2024 14:22:52 توسط ... .